

دارالحدیث که اسود بن مطلب و عاص بن الوائل و سلمه بن المغيرة و ابن الطلائع در سجده و استنزه از آن حضرت صلی الله علیه و آله میخواندند و روزی جبرئیل آمد و در پهلوی وی صلی الله علیه و آله و سلم ایستاد و این جماعت در طواف بیت الله بودند و روزی جبرئیل بر جبرئیل که شست جبرئیل بر جمعی که بر کف دست می آید تر شسته بود و تمیز محل کشته اشارت کرد چون از آن و آن است و بر آن خطاک شد بعد از آن عاص بن وائل یک دست و بر کف پای وی زخمی بود که روزی جاری در آنجا حمله بود و جبرئیل علیه السلام در آن نگاه کرد آن زخم تازه شد و بهمان طاک گشت بعد از آن اسود بن مطلب که دست و بری سبز بر روی وی انداخت پویند بعد از آن ابن طلائع که شست اشارت نمود که در کم از آن و آن است و بهمان بهر دو تنی سجده در شان ایشان این است و شما که آنها را استنزه میکنی یعنی ما کار اهل استنزه را برای تو گفت کردیم قریش بر کون اندازد در سیاهی دید چون نزدیک مسجد کعبه

کفناک

علمه و سلم بر حکم بن ابی العاص میگذشت حکم از سببیت وی تقدیر وی کرد و خود را بچندان رسول صلی الله علیه و سلم از آن نور نبوت دانست فرمود که بخشن باش بر همان جای و بر آن کشته گشت هرگز از وی مفارقت نکرد **دارالحدیث** که روزی رای قریش از آن قرار گرفت که یکدو کس را بر پیش اجار بود او صاف رسول صلی الله علیه و سلم شنیدند و دانستند که میخواهند کشته و بر آن رسیده رسول گشتند یکی قصه احماب گفت و دیگر قصه ذوالعقرین و دیگر آنکه دروغ صحت از این سوال جواب میدیدند که وی بنی مرسل است اتباع وی گشتند اگر نگویید استید که وی دروغ گویند هر چند با وی بکنید چون قریش این سوالات کردند رسول صلی الله علیه و آله گفت فرد استار احمد و هم الش الله گفت ده روزی مسقطه قریش آغاز شتافت کردند و آن بر رسول صلی الله علیه و سلم و در آن بعد از آن جبرئیل آمد و سوره الکهف آورد مشتمل بر جواب آنچه پرسیده بودند رسول صلی الله علیه و سلم آن سوره را بر ایشان خواندند شنیدند اما نشنیدند و همان طریقه و خود می و روزی

۱۱
 در سجده از رسول صلی الله علیه و سلم
 جبرئیل بر جبرئیل ایستاد

که اسود بن مطلب